



## بناء الحدث والمكان والزمان في رواية (معذبي) للكاتب مرضية اخوان نژاد دراسة سيميائية دلالية

م.م. نجلاء إسماعيل محمد كاظم

جامعة بغداد - كلية اللغات - قسم اللغة الفارسية وآدابها

بررسی نشانه - معنا شناختی ساختار رویداد، مکانی و زمانی در رمان

(شکنجه کر من) مرضیه اخوان نژاد

م.م. نجلاء اسماعیل محمد کاظم

دانشگاه بغداد - دانشکده زبانها - گروه زبان و ادبیات فارسی

A Semiotic and Semantic Analysis of the Construction of plot, Setting, and Temporal Structure in " My Tormentor, a Novel by Marziyeh Ikhwan-Nejad

Najlaa Ismael Mohammed Kazem

University of Baghdad/ College of Languages / Department of Persian □

najlaa.i@colang.uobaghdad.edu.iq

چکیده

رویداد، مکان و زمان از مهمترین عناصر سازندهی یک رمان پس از شخصیت هستند. پژوهش حاضر با تمرکز بر این عناصر به تحلیل نمادها، نشانه‌ها و معانی نهفته در ذهن نویسنده پرداخته تا نشان دهد چگونه نویسنده از طریق ساختار روایی متن، هدفها، حالات روانی و جریان رویدادها را باز دهد، پژوهنده در نگارش این تحقیق به روش توصیفی - تحلیلی تکیه کرده است. هدف از این بررسی روشنگری بعد دلالتی زمان و مکان و منظور از این بعد یعنی شرح و بسط نحوه به کارگیری نویسنده از زمان و مکان به عنوان نمادهایی می پردازد که فراتر از کاربرد سطحی جغرافیایی و زمانی، حامل دلالت‌های روانشناختی، فرهنگی و اجتماعی اند. کلید واژه‌ها: نشانه - معناشناختی، رویداد، زمان و مکان.

المخلص:

یعدُ الحدث، المكان والزمان من اهم العناصر البنائية في الرواية بعد الشخصية، يركز هذا البحث على دراسة هذه العناصر من منظور سيميائي ودلالي ويهدف الى توضيح كيفية توظيف الكاتب لها ضمن بنية النص السردی فضلا عن كشف الابعاد النفسية والانفعالية الكامنة وراء استخدامها. وقد اعتمد الباحث المنهج الوصفي - التحليلي في اعداد هذه الدراسة التي تهدف الى تحليل البعد الدلالي للمكان والزمان وبيان كيف يوظفهما الكاتب كرموز تتجاوز معانيهما الجغرافية والزمنية، لتحمل دلالات نفسية وثقافية واجتماعية اعمق. فنلاحظ ان الزمان والمكان هو الفضاء التي تتحرك فيه الاحداث داخل الرواية فلا بد ان تكون لكل رواية او عمل قصصي زمان ومكان تلعب فيه الشخصيات دورها لينتج عنها عمل فني يقنع اذهان القراء. الكلمات المفتاحية: السيميائية، الدلالة، الحدث، المكان والزمان.

Abstract:

Event, place and time are the most important structural elements in the novel after character. This research focuses on studying these elements from a semiotic and semantic perspective. It aims to clarify how the writer uses it within the structure of the narrative text, as well as revealing the psychological and emotional dimensions behind its use. The researcher adopted the descriptive - analytical approach in preparing this study, which aims

to analyze the semantic dimension of place and time, and explaining how the writer uses them as symbols that transcend their geographical and temporal meaning, to carry psychological, cultural and social connotations. Keywords are: semiotics, semantics, events, place and time.

#### مقدمه

۱- شرح و بیان مسئله: عنصر رویداد، زمان و مکان از مهمترین عناصر داستان و رمان به شمار می روند، زیرا آنها چهارچوب کلی را تشکیل می دهند که شخصیتها در آن حرکت می کنند و رویدادها در آن شکل می گیرند. پژوهنده در این تحقیق به بررسی نشانه شناختی رویداد، زمان و مکان پرداخته و این نشانه‌ها و نمادها را تحلیل کرده است تا آنچه در درون نویسنده رمان می گذرد را آشکار سازد. در این بحث، پژوهنده در بخش « رویداد » مطالعه‌ی خود را از طریق تحلیل متن برای تعیین هدف نویسنده انجام داده است. اما در بخش « مکان » مکان‌های بسته و باز را بررسی کرده تا وضعیت روانی شخصیت‌های رمان و رفتارهای آنها را بر اساس محیط پیرامون شان بشناسد. و متوجه شویم که در بخش « زمان » پژوهنده با استفاده از بازگشت به گذشته ( بازگشت زمانی یا گذشته نگر ) و جلوه به آینده (پیشواز زمانی یا آینده نگر) هر یک را در تسلسل رویدادهای رمان بررسی کرده و اهمیت هرکدام از آنها را تبیین نموده است.

۲- هدف پژوهش: هدف از این مطالعه حل مشکلات و چالش‌هایی است که پژوهنده در فرایند تحلیل متون رمان با آنها رو به رو می شود، چه در تحلیل رویداد، مکان یا زمان و همچنین تحلیل شخصیتها و جلد رمان، و هم شناخت هدف نویسنده از انتخاب این نمادها و نشانه‌هاست.

۳- روش پژوهش: پژوهنده، در این پژوهش با بهره گیری از روش توصیفی - تحلیلی متون رمان را بررسی کرده و نمادها و نشانه‌های نهفته در آنرا که نویسنده رمان به کار برده است شناسایی نموده است. و منظور از آن، تحلیل شکل و مضمون متون رمان از لحاظ رویداد، مکان و زمان است.

۴- پیشینه‌ی پژوهش: پژوهنده بعضی از نمونه‌هایی که قرابت بیشتری با این پژوهش حاضر داشته اشاره می شود از جمله آنها، بررسی و تحلیل زمان روایی در رمان « مدار صفر درجه » بر اساس نظریه‌ی ژنت نوشته صفیه توکلی مقدم، فاطمه گویا و مصطفی گرجی که در انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی دوره ۲۴ شماره ۸۶ زمستان ۱۳۹۹ است. و همچنین مقاله بررسی عنصر زمان در رمان « فی غرفه العنكبوت » براساس نظریه‌ی زمان روایت ژرار ژنت نوشته صفیه نقی جلال آبادی و حسین تک تبار مجله زبان کاوی کاربردی سال ششم شماره اول زمستان ۱۴۰۱ است، و غیره از تحقیقاتی است که با این پژوهش مشابه شد.

معرفی و خلاصه‌ی رمان: این رمان درباره دختری است که زندگی سختی را در خانه‌ی پدرش سپری می کرد. این دختر اسمش تارا است، او از طرف پدر و مادرش بسیار رنج کشید. روزی با پسری که اسمش ساشا بود آشنا شد و بعد از شش ماه آن پسر از او خواستگاری کرد. اما پدر تارا وقتی که آن را دانست مخالفت کرد، و پس از تلاش‌های بسیاری در آخر موفق شدند و نامزد شوند، اما پدرش اصرار داشت این موضوع را خراب کند. او پسر عموی دختر را فرستاد تا به تارا تجاوز کند و این را اتفاق افتاد، ساشا بعد از شنیدن این خبر تارا را ترک کرد و به دبی مسافرت کرد. مدتی بعد، تارا در یک تصادف رانندگی حافظه اش را از دست داد. یک روزی با دختری که اسم او صباست دوست شد، آن دختر او را قانع کرد که برای رهایی و خلاص از خانواده‌ی او با هم از ایران فرار کنند. آنها فرار کردند ولی تارا نمی دانست چه زندگی سخت و پر از شکنجه‌ای در انتظار او است.

مفهوم رمان در لغت و اصطلاح رمان در لغت: کتاب قصه، افسانه یا داستان خیالی که به نثر یا نظم پرداخته شود که عموماً واقعات ممکنه است. (ر.ک. عمید، ۱۳۸۴: ۷۰۷) یا به عبارت دیگر رمان به معنای قصه، داستان، افسانه، حکایت و نوول می آید. (ر.ک. دیکشنری آبدیس، سایت اینترنتی) رمان در اصطلاح: رمان یا نوول متن روایی بلند یا کوتاه است که بر ساختار رویدادها، زمانی و مکانی توزیع می شود و حوادث پیوسته ای را به تصویر می کشد که از طریق شخصیت‌های مختلف، مشکلات اجتماعی یا فردی یا زندگی بازتاب می دهد. (ر.ک. مرتاض، ۱۹۹۸: ۱۲-۱۳) مفهوم علم روایت: «علم روایت به عنوان نظریه‌ای مدرن با مطالعه ساختار آثار ادبی و کشف واحدهای روایی، زمینه را برای مقایسه اصولی فراهم می آورد و فرایند درک آثار ادبی را ارتقا می بخشد.» (توکلی مقدم و همکار، ۱۳۹۹: ۸۲) تعاریف و مفاهیم نشانه شناسی نشانه: چیزی که به جای چیز دیگری قرار می گیرد، یا به عبارت دیگر چیزی است که معنای خودش را کرده و جای چیز دیگری را پر میکند. (ر.ک. میر صادقی، ۱۳۷۷: ۲۷۴) نشانه شناسی: دانشی است که به مطالعه‌ی علائم، نشانه‌ها و نمادها را می پردازد و معنی خاصی به آنها را می دهد. (ر.ک. کنیهر، ۲۰۲۱: ۱۷) اما فکوهی نشانه شناسی به این طور معرفی کرده است، «علمی است که هدف خود را شناخت و تحلیل نشانه‌ها و نمادها چه آنها که به صورت زبان گفتاری یا نوشتاری در آمده اند و چه آنهایی که به صورت‌های غیر

زبانی دارند، اعم از نشانه‌های فیزیولوژیک، بیولوژیک، نمادهای نمادین، نظام‌های ارزشی... و غیره اعلام می‌کند». (فکوهی، ۱۳۸۳: ۲۹۹-۳۰۰) نشانه‌شناسی: علمی است که به مطالعه و بررسی انواع نشانه‌ها، تعبیر و قواعد حاکم بر آنها را می‌پردازد، و چگونگی ارتباط و معنا را در پدیده‌ای مختلف مطالعه می‌کند. (ر.ک. یزدی، ۱۳۹۳: ۶)

مفهوم ساختار روایی ساختار روایی: که ساختار داستان یا رمان، خط داستانی یا خط پیرنگ نیز گفته می‌شود، چهارچوب ساختاری یک داستان یا رمان است. (ر.ک. محمد، ۱۳۹۹، سایت اینترنتی) و همچنین به این تعریف می‌آید ساختار رویداد، مجموعه‌ای از عناصر مرتبط با یک دیگر تشکیل می‌شود، چون هر بخش، بخش دیگر را کامل می‌کند و سر انجام، زنجیره منسجم از رویدادها مختلف را شکل می‌دهد. (ر.ک. حموده، ۱۹۹۸: ۴۳)

#### مفهوم رویداد از نظر لغت واصطلاح

۱- رویداد در لغت: در فرهنگ لسان العرب لابن منظور آمده است که رویداد از مصدر حدث، يحدث ومعنای آن در زبان فارسی اتفاق افتادن، اتفاق افتد یا پیش آمدن است. (ر.ک. ابن منظور، ۷۳) اما در فرهنگ عمید به این طور آمده است، رویداد واقعه یا حادثه، آنچه رخ داده یا آنچه پیش آید از نیک یا بد. (ر.ک. عمید، ۱۳۸۴: ۷۱۸)

۲- رویداد در اصطلاح: رویداد به موقعیتی اطلاق می‌شود که در آن زمان با کنشی همراه است، به این معنا که هر رویدادی باید با زمان مشخصی پیوند داشته باشد که لحظه وقوع آن را نشان دهد، فارغ از آنکه این زمان به کدام یک از انواع سه گانه زمان تعلق داشته باشد. (ر.ک. سلام، ۱۹۷۳: ۱۱) فراتر از مجموعه‌ای از وقایعی که در زمان‌های مختلف رخ می‌دهند و تمایز آنها از طریق پیوند با زمان شکل می‌گیرد، در واقع زمان از نظر این تعریف می‌شود که ((مجموعه‌ای از رویدادهای پراکنده و منظم در بستر زمان است که از طریق توالی خاص خود، ویژگی و تمایز پیدا می‌کنند)). (ر.ک. علوی، ۱۹۸۸: ۲۷)

#### مفهوم زمان از نظر لغت واصطلاح

۱- زمان در لغت: «یعنی وقت، هنگام، روزگار یا بمعنی اجل و مرگ نیز گفته اند، یا به عبارت دیگر زمان همچنین عصر، وقت اندک یا بسیار می‌آید. (عمید، ۱۳۸۴: ۷۳۸)

۲- زمان در اصطلاح: رابطه‌ی بین زمان داستان و زمان نقل روایت است، که می‌تواند با تکنیک‌هایی همچون پیش آگاهی، بازگشت به گذشته حذف و شتاب بخشی تغییر کند. (ر.ک. ژنت، ۱۹۹۶: ۷۸-۸۵)

یا به عبارت دیگر زمان عنصری است که در داستان، رمان یا متون ادبی هم وجود دارد، و هر رویداد در زمان خاصی اتفاق می‌افتد. (ر.ک. محمد، ۲۰۲۲: ۷) مفهوم مکان از نظر لغت واصطلاح

۱- مکان از نظر لغت: مفهوم مکان از دیدگاه لغوی، واژه‌ای است به معنای محلی که شخصی یا چیزی یا شی در آن مستقر شود. (ر.ک. ابن منظور، ۱۹۹۰: ماده م، و، ن) اما در فرهنگ عمید به این طور آمده است مکان، جا یا محل و جایگاه است. (ر.ک. عمید، ۱۳۸۴: ۱۱۵۱)

۲- مکان از نظر اصطلاح: یکی از عناصر اصلی بعد از شخصیت، رویداد و زمان در داستان یا رمان می‌آید. (ر.ک. اصغری، ۸۸: ۳۰) اما بحراری مکان را به این طور معرفی کرده است، مکان عنصری زاید در رمان و داستان نیست بلکه در شکل و مضمون آنها دخالت داشته و بر آنها را تأثیر می‌گذارد. (ر.ک. بحراری، ۱۹۹۰: ۳۳) نشانه- معناساختی ساختار رویداد در رمان (شکنجه گر من) رویداد عنصر مهم از عناصر اساسی در هر اثر رمانی یا داستانی به حساب می‌آید، چونکه با سایر عناصر ساختاری رمان مانند: شخصیت، زمان و مکان پیوند دارد و نقشی کلیدی در شکل‌گیری کلی این ساختارها بویژه ساختار شخصیت ایفا می‌کند. رویداد به گونه‌ای تنگاتنگ با شخصیت‌هایی که در رمان و داستان یا هر اثر دیگری وجود دارد، مرتبط است، زیرا از طریق تعامل با برخی از شگردهای روایی در معرفی شخصیت‌ها و نشان دادن فرآیند رشد و تحول آنها به کار گرفته می‌شود. (ر.ک. یوسف، ۴۷۷) در رمان، داستان یا هر اثر ادبی کشمکش درونی و بیرونی وجود دارد، این کشمکش عنصری مهم از عناصر رویداد در رمان به حساب می‌آید. این نزاع نقش اساسی در کنترل ساختار متن رمان دارد و آن را به دو نوع تقسیم می‌شود:-

۱- کشمکش بیرونی: وقتی است که شخصیت داستانی در مقابل چیزی یا کسی ورای قدرت خود قرار می‌گیرد و عوامل بیرونی مانعی بر سر راه تحقیق اهداف و انگیزه‌های شخصیت قرار می‌گیرند و این جدال باعث به وجود آمدن تنش در داستان می‌شود. (محمد، ۲۰۲۲: ۱۰)

۲- کشمکش درونی: «نوعی تعارض روانی است که در درون شخصیت اصلی رمان یا داستان رخ می دهد و بیانگر تناقضات درونی یا تصمیم گیری های دشواری است که شخصیت رمان با آنها روبه رو می شود». (الداودی، ۲۰۲۴: ۱۵۷)

رمان (( شکنجه گر من)) رویدادهای زیادی دارد اما به مهمترین و بارزترین رویداد آن می پردازیم:-

#### رویداد یکم

" - سلام عزیزم تو که الان اینجا بودی اینقدر سریع دلت برام تنگ شد؟ پس وقتی برم اونور چجوری میخوای تحمل کنی؟  
با حرص گفتم: یک دقیقه ساکت شو تا منم حرف بزنم.

سارا خنده های کرد وگفت: ببخشید بگو عزیزم چی شده؟

چند لحظه سارا سکوت کرد بعد گفت: مطمئنی که می خوای بیای؟

- آره مطمئنم. دیگه نمی تحمل کنم منم باهات میام. زندگیم شده جهنم شاید اونجا چیز بهتری در انتظارم باشه.

- باشه هیچی لازم نیست فقط چند دست لباس بردار همین. من خودم با کسی که باید بریم هماهنگ میکنم فردا پنج صبح بیا سر کوچه که بریم ..... ( نژاد، ۱۳۹۵: ۷) این گفتگو تصویری نشانه شناختی ایجاد کرده که نشان دهنده کشمکش بیرونی تارا با پدرش است به علت آن، تارا تصمیم گرفت از خانه پدرش فرار کند تا از زجرش رها کند. درگیری در این صحنه می بینیم تنها یک اختلاف ساده نیست، بلکه نشانه ای ست از رنج عمیق تری که تارا در محیط خانوادگی اش تجربه می کند، در نهایت این درگیر بیرونی نشانه از واقعیت تلخی و دردناکی بوده که تارا با پدر و مادرش در آن خانه احساس کرده است. رویداد دوم - تمام دخترها سریع رفتن بالا کنار دخترها روی عرشه استادم. هر میس از کشتی پیاده شد و بهمون اشاره کرد پشت سرش بریم پایین. همه از کشتی رفتیم پایین یک ون مشکی جلومون متوقف شد، سوار ون شدیم. ماشین جلوی یک ویلا استادم، در ویلا باز شد و چند مرده سیاه پوش با اسلحه جلوی در استاند، ماشین وارد حیاط ویلا شد یکی از محافظ ها در ون باز کرد و با اسلحه اش اشاره کرد بهمون وگفت: پیاده شید سریع. - با تعجب به رفتارهای مرد نگاه کردم که سلماز از جاش بلند شد وگفت: مگه کرین گفت بیاین پایین زود. صبا از جاش بلند شد وگفت اینجا چه خبره؟ ..... ( نژاد، ۱۳۹۵: ۱۳-۱۵) این دیالوگ رویداد مهمی دارد، این رویداد تصویری نشانه شناختی نشان دهنده درگیری بیرونی تارا و دخترها با سلماز است چونکه سلماز سوء استفاده از آنها کرده و تصمیم گرفت آنها به رئیس بفروشد. تارا فکر می کرد که وقتی از خانه پدرش فرار کند، زندگی اش بهتر خواهد شد، اما این تصمیم از نا آگاهی او نسبت به آینده است. در نهایت این کشمکش بیرونی به واقعیت تلخی دلالت دارد. رویداد سوم - منو ببخش تارا همهاش تقصیر من بود، من گولت زدم تا باهام بیای. - دستم رو روی دهانش گذاشتم وگفتم: این حرف رو نزن سارا، تقصیر تو نبود توکه نمی دونستی قراره وچه بلایی سرمون بیارن همه اش تقصیر خودم بود، کار غیر قانونی بهتر از همیشه. سارا با چونه ی لرزون منو توی بغلش گرفت وگفت: منو ببخش ابجی، زندگی خودم خراب بود، زندگی تو رو هم خراب کردم. - پوزخندی زدم وگفتم: فکر می کنی زندگی من خیلی قشنگ بود؟ امیدوارم یک روزی تقاض کارهایی که باهام رو پس بدن ..... ( نژاد، ۱۳۹۵: ۱۵-۱۶) این گفتگو دارای دو کشمکش است یکی بیرونی و دیگری درونی است، یکی این گفتگو تصویری نشانه شناختی ایجاد کرده که نشان دهنده کشمکش بیرونی تارا با دوستش سارا و خانواده اش است، زیرا سارا او را گول زده است و ترغیبش کرد که با او خارج از کشور فرار کند تا زندگی خودش بهتر شود، سرانجام این درگیری به خراب و نابود دلالت دارد. اما در بخش دوم، یک کشمکش درونی شدید در شخصیت اصلی دیده می شود، که گاهی خود را سرزنش می کند و گاهی شرایط بیرونی را مقصر می داند. این متن نشان می دهد که چگونه عواملی مانند بی عدالتی و قوانین ناعادلانه می توانند بر انتخاب های فرد تاثیر بگذارند، پس دلالت این گفتگو همچنین میل پنهانی برای تغییر و فرار به سوی آینده ای بهتر را نشان می دهد.

#### رویداد چهارم

" - گفتم کاری داری؟ - من .. نه. - پس مرض داری یک ساعت بهم زل زدی؟ - دوباره سرم رو انداختم پایین وگفتم ب... ببخشید.. ساشا از جاش بلند شد با ترس نگاهش کردم، پوزخندی زد وگت برای امشب آماده ای؟ - بالنکت گفتم: ب.. برای چ... چی؟ - هه یعنی این یک هفته هنوز وظیفه ات رو نفهمیدی؟ ..... ( نژاد، ۱۳۹۵: ۴۱-۴۲) این گفتگو تصویری نشانه شناختی ایجاد کرده که نشان دهنده درگیری و کشمکش درونی شخصیت اصلی با واقعیت است، تارا حس بیگانگی، حیرت از واقعیت و سوال درونی درباره حضور در این وضعیت به وضوح دیده می شود. در نهایت این دیالوگ بیگانگی از خود و تنشهای روانی جسمی را به خوبی از طریق نشانه های بصری و حسی به تصویر می کشد. پس اینجا تارا به عنوان یک برده ی جنسی است و این به درد جسمی و روانی دلالت می کند. رویداد پنجم - مشکلی تو بینا پیش نیست؟

- نه فقط بعد از این برادر من مراقب رفتارت باش این بار طفل معصوم شانس آورد ولی دفعه‌ی بعد... - هه طفل معصوم ... اره خیلی این طفل معصوم شانس آورد. نمی دانم چرا ساشا اینقدر ازم بیزار بود، جوری طفل معصوم رو بیان میکرد انگار من همون پریم وبهش خیانت کردم... چه برسه به تو. (نژاد، ۱۳۹۵: ۸۸-۸۹) این دیالوگ تصویری نشانه شناختی ایجاد کرده که نشان دهنده‌ی کشمکش درونی و برونی است، یکی کشمکش بیرونی ساشا با تاراست و دلالت آن که ساشا تارا را خرید کرده تا زجرش کند، این درگیری به واقعیت پر از دردهای روانی نشان می‌داد. اما در مورد کشمکش درونی در این متن به درگیری روانی یا احساسی که درون ساشا هست، اشاره کرد، این درگیری میان انتقام از تارا یا بخشش او دلالت می‌کند. رویداد ششم " ساشا سپنتا رو به گوشه ای پرت کرد و به سمت دوید وگفت: دختره‌ی عوضی... چطور جرات می‌کنی با من اینجوری حرف بزنی؟ - از حرکت ناگهانش ترسیدم تمام جراتم دود شد ورفت هوا از شدت ترس نفهمیدم چیکار کردم... چاقور رو بردم و بالاتر وبا یک حرکت وارد شکم کردم زمانی که دردش رو حس کردم فهمیدم چیکار کردم... " (نژاد، ۱۳۹۵: ۱۳۰) این دیالوگ تصویری نشانه شناختی ایجاد کرده ایم که نشان دهنده‌ی درگیری بیرونی ساشا با تاراست. مهمترین این رویداد که در این متن اتفاق افتاده، آنست که تارا سعی کرده از دست ساشا رها کند و خود کشی کرد، زیرا ساشا خودش را اسیب کرده است، می‌بینیم که راوی رمان در این متن ابزار چاقو انتخاب کرده زیرا به رهایی از شکنجه و زجرهای ساشا دلالت دارد، پس نشانه ابزار چاقو رهایی و مرگ می‌آید، (ر.ک. دهخدا، ۷۰۲۶) و همچنین به نجات دادن از زندگی ناعادلانه و زجر کشیدن که شخصیت اصلی رمان از آن رنج می‌برد، دلالت دارد. رویداد هفتم " بابات یا پسر عمهات باید حرفها تو تایید کنند. تمام شادیم از بین رفت با راحتی گفتم: اونا اگه می‌خواستید به تو بگن من پاکم که خرابم نمی‌کردند. پوزخندی زد و برگشت سمتم وگفت: فقط اونا باید بگن تمام حرفهایی که گفتمی راسته تا باور کنم غیر از این تا آخر عمرت همین جا میمونی و زجر میکشی." - این دیالوگ تصویری نشانه شناختی ایجاد کرده ایم که نشان دهنده‌ی درگیری بیرونی ساشا با تاراست، می‌بینیم این متن رویدادهای مهم دارد، ساشا معتقد بود که تارا به او خیانت کرده و حرفهایش را باور نمی‌کرده. پس این دیالوگ به دردهای روانی دلالت دارد، نشانه شناختی این متن کشمکش بیرونی است زیرا که شخصیت اصلی از دست قهرمان رمان خیلی رنج می‌کشد. نشانه - معنا شناختی ساختار مکان و زمان در رمان (شکنجه گر من) مکان - یک عنصری از عناصر اصلی داستان، رمان یا هر اثر ادبی به حساب می‌آید. (ر.ک. اصغری، ۲۹) یا به عبارت دیگر مکان محل وقوع رویدادهای اصلی و مهمی در رمان می‌شود. (ر.ک. مومنی، ۱۳۹۴: ۱) «تصویرهای ذهنی از طریق نشانه‌ها ظاهر می‌شوند و این چنین نشانه‌ها به عامل موثری در ارتقای حس مکان تبدیل می‌شوند.» (عبد، ۲۰۲۴: ۵۴) مکان در رمان ((شکنجه گر من)) به دو بخش یکی باز و دیگری بسته تقسیم می‌شود. مکان باز: - فضا یا جایی است که می‌تواند عمومی باشد یا خصوصی، اما همیشه حس رهایی و وسعت دارد. جایی است که دیگر خبری از مرز و محدودیت نیست، آدم آنجا نفس راحت می‌کشد، ولی هم زمان یک طور حس تنهایی و دوری هم در دلش می‌نشیند. (رزقی و همکار، ۲۰۲۰/۲۰۱۹: ۱۴) مکان بسته: - «مکان بسته به فضای محدودی که دارای ابعاد مشخصی باشد، اطلاق می‌گردد. این نوع فضا بر انزوا، حرمان و اسارت و ناتوانی در تعامل با جهان پیرامون دلالت می‌کند. (شکیبایی فر و همکار، ۱۳۹۸: ۴۸) مکان‌های اصلی در رمان (شکنجه گر من) مکان‌های که در رمان بالا هستند عبارتند از ((شهر تهران، بندر عباس، دریا، دبی...)) که مکان‌های باز نامیده می‌شوند، و همچنین ((خانه‌ی پدرش، خانه‌ی رئیس، خانه‌ی ساشا، سالن، حیاط، اتاق شکنجه، اتاق قرمز، بیمارستان...)) که مکان‌های بسته شناخته می‌شود. مکان‌های اصلی در رمان شکنجه گر من مکان‌های رمان به طور خلاصه عبارتند از ((شهر تهران، بندرعباس، جنوب، دریا، دبی)) که مکان‌های باز نامیده می‌شوند، و همچنین ((خانه‌ی پدرش، خانه‌ی رئیس، خانه‌ی ساشا، سالن، حیاط، اتاق شکنجه، اتاق قرمز، بیمارستان)) که مکان‌های بسته شناخته می‌شود. مکان‌های باز - دریا: - یک فضای که در آن رویداد مهم اتفاق افتاده، دریا از لحاظ نشانه شناختی مکانی باز به حساب می‌آید، زیرا تارا از این جا به دبی فرار کرده تا از شکنجه‌های خانواده خود رها خلاص شود. پس دریا در این رمان به بی‌کرانی و آینده‌ای نامعلوم دلالت می‌کند. - جنوب: - یک جایی بزرگ و نامحدود در ایران است. (ر.ک. موقعیت اماکن ایران، سایت انترنتی) این مکان در نشانه - معناشناختی از جاهای باز محسوب می‌شود. تارا با دوستش سارا به جنوب فرار کردند تا از ظلم و زجر کشیدن خانواده‌ی شان خلاص می‌شوند. اینجا نماد جنوب به مکان باز و نامحدودیت نشان می‌دهد. نویسنده رمان، جنوب را انتخاب کرده زیرا به آزادی و رهایی از فشارهای اجتماعی، روانی و جسمی که شخصیت اصلی رمان حس کرده است، دلالت می‌کند، نیز نشانه‌ی ناشناخته، خطر و ابهام دلالت دارد. " رو به سلماز کردم و پرسیدم الان کجا میریم؟ سلماز میریم جنوب و از اونجا میریم اونور." (نژاد، ۱۳۹۵: ۹) - بندر عباس: - جایی که رویداد مهم در آن اتفاق افتاده است. تارا و دختران با همزه سلماز

از این جا رفتند تا از دردها و ستم‌های خانواده شان رها شوند. و نشانه‌ی بندر عباس در این رمان چالش و رویارویی می آید، و دلالت آن همچین به گذار و دگرگونی نشان می دهد، چونکه تارا سعی کرد از خانواده خود جدا شود واز آنها فرار کند تا زندگی جدید و آرامی برای خود بسازد.

" صبح راس ساعت پنج راه افتادیم، تا ظهر وارد بندر عباس شدیم" (همان منبع، ۱۰) - دبی: - یک شهری در امارات متحده عربی و مرکز امارت دبی و پرجمعیت ترین امارت این کشور است. (دبی، ویکی پدیا، سایت انترنتی) اینجا می بینیم که دبی شهر بزرگی است، پس آن را به مکان باز نشان می دهد. نشانه‌ی شهر دبی در رمان شکنجه گر من به فرار از گذشته و تبعید و بیگانگی آمده است. شخصیت اصلی رمان تلاش کرده از واقعیت تلخی خود به آینده ناشناخته و نا معلوم فرار کند. " سلماز خنده‌های کرد وگفت: خوب حالا باید یک سری چیزها رو توضیح بدم، وقتی رسیدیم دبی باید بریم خونه‌ی رئیس تا شما رو ببینیم" (همان منبع، ۱۲) - حیاط: - یک مکانی که اتفاق مهم در آن افتاد. حیاط مکان باز می آید، تارا از این جا تمام دردهای خود شروع شد قبلا معتقد بود که زندگی خود بهتر خواهد شد، پس این جا به دگرگونی نشان می دهد.

" ساشا منو برد توی حیاط و به سمت یک ماشین رفت و درش رو باز کرد و منو پرت کرد روی صندلی" ( نژاد، ۱۳۹۵: ۲۴) - شهر تهران: - پرجمعیت ترین شهر و پایتخت کشور ایران، مرکز استان تهران و شهرستان تهران است. (تهران، ویکی پدیا، سایت انترنتی)، یک مکانی که در آن رویدادهای مهم اتفاق افتاد. تارا در این مکان با پدر و مادرش زندگی می کند ولی پدر او را شکنجه می کرد و به علت آن از تهران به جنوب فرار کرده، پس نشانه شهر تهران در رمان کشمکش و بیگانگی است، زیرا تارا سعی کرده از دست پدرش و زندگی اش جدا شود. " یاد روزهایی که توی تهران داشتم افتادم چقدر خوشبخت بودم، چرا انقدر دیر فهمیدم" ( نژاد، ۱۳۹۵: ۴۲) مکان‌های بسته - اتاق تارا: - اتاق در رمان شکنجه گر من جایی بسته می آید، و رویداد مهم در آن را اتفاق افتاده، تارا همیشه در اتاق خود می ماند برای گریختن از واقعیت تلخ که در خانه‌ی پدرش حس کرده است. پس نشانه اتاق به انزوا و جدایی دلالت دارد. و همچنین به عنوان زندان و محل خفگی و محدودیت و باریک معنا یابد. " وارد اتاقم شدم و در رو محکم بهم کوبیدم" ( نژاد، ۱۳۹۵: ۱) - خانه‌ی پدرش: - مکانی است که رویدادهای مهمی در آن اتفاق افتاده، خانه یک جا بسته، باریک و محدودیت دارد. تارا در خانه‌ی پدرش را زندگی می کرد و او را رنج می برد، چونکه پدرش هر روز با او دعوا می کند. تارا احساس می کرد که مدام تحت سرکوب و آزار در آن خانه قرار می گیرد. پس نشانه شناختی خانه در این رمان به انزوا و محدودیت دلالت می کند، علاوه بر این، جایی پر از دردها به حساب می آید. " تا زمانی که بابا خونه بود از اتاق بیرون نرفتم" (همان منبع قبلی، ۲)

- ویلا: - مکانی که اتفاقات مهم در آن پیش آمده، خانه مکان بسته است چون به باریک و قید و بند دلالت دارد. تارا و دختران با همراه سلماز به این خانه آمدند تا سلماز آنها را به علی رضا بفروشد، پس نشانه‌ی خانه علی رضا به ترس و وحشت آمده است، می بینیم که تارا آینده نا شناخته در انتظار او باشد. " ماشین جلوی یک ویلا ایستاد، در ویلا باز شد وگفت: مگه کرین گفت بیاین پایین زود." (همان منبع قبلی، ۱۳)

- کشتی: - یک وسیله‌ی نقلیه است. گاهی به انزوا نشان می دهد یعنی مکان بسته به حساب می آید وگاهی دیگر جای باز می آید و به آزادی و رهایی نشان می دهد. اینجا کشتی مکان باز آمده است و به آزادی و رهایی دلالت می کند، و نشانه‌ی آغاز می شمرد زیرا تارا می خواست زندگی خود را دگرگون کند. " به سمت کشتی رفتیم، هر میس رفت سمت یکی از افراد کشتی و چیزی بهش گفت اونم بهمون اشاره کرد که وارد کشتی بشیم." ( نژاد، ۱۳۹۵: ۱۱) - سالن: - جایی که رویداد مهم در آن اتفاق افتاد. سالن مکان بسته در هر اثر ادبی به شمار می رود، به ناتوانی، حرمان، اسارت و محدودیت دلالت می کند، چون در این جا تارا را به رئیس فروختند، و همچنین سالن نشان دهنده‌ی به آزار روانی است که تارا در معرض آن قرار می گیرد علاوه بر آن، زندگی و آرزوهای خود نابود شد و نمی دانست چه روزها در انتظار او خواهد بود. " وارد یک سالن بزرگ شدیم، تمام سالن رو مبلهای سلطنتی پوشونده بود سلماز جلوی ما ایستاد وگفت: همتون خوب گوش کنید اگر میخواین تا زمانی که اینجا هستید....." ( نژاد، ۱۳۹۵: ۱۴) - خانه‌ی ساشا: - مکانی که رویدادهای مهم در آن اتفاق افتاده. می بینیم که خانه یک جا بسته آمده است، پس دلالت‌های گوناگون به خود می آید، به محدودیت، آینده نا معلوم و زندان نشان می دهد. تارا در این خانه خیلی رنج می برد، و همچنین در معرض شدیدترین انواع زجر، شکنجه، وحشی گری، خشونت و تجاوز جنسی و جسمی قرار داشت. پس نشانه‌ی خانه در این رمان به سلب آزادی و ویرانی اشاره دارد. " ساشا جلوی یک خونه لوکس ایستاد وچند تا بوق زد، درهای خونه توصت نگهبان باز شدند" (همان منبع، ۲۵) - اتاق سیاه: - یک جایی که رویدادهای مهم در آن اتفاق افتاده. وقتی که ساشا تارا را از دوستش علی رضا خرید کرد او را به خانه خود برد و در اتاق سیاه با دکور سیاه هم تارا را گذاشته است، پس این اتاق به افسردگی و درد نشان می دهد. نویسنده‌ی رمان رنگ سیاه برای دیوار و دکور این اتاق انتخاب کرده زیرا، آن به ستم و شکنجه دلالت می کند علاوه بر این، تارا در این اتاق باکرگی خود از دست داده، در نهایت رنگ سیاه نماد ظلم آمده است. رنگ سیاه از نظر نشانه شناختی به غم و اندوه و ناراحتی و بیگانگی نشان می دهد زیرا رنگ سیاه، رنگ قوی، هیجان

ومرموز است، و برخی مردم آن را نمادی از ناپسند بودن می دانند، وهمچنین در برخی فرهنگها به مرگ وماتم دلالت می کند. (ر.ک. الذیب، ۲۰۲۳: ۷۲۹) چشم که باز کردم توی یک اتاق با دکور سیاه بودم، تمام اتاق سیاه بود، حتی دیوارها کاغذ دیواری سیاه داشت" (نژاد، ۱۳۹۵: ۲۸) - اتاق قرمز: - این مکان دارای اتفاقات زیادی است، اتاق دومی که ساشا با تارا معاشره است واتاق قرمز نامیده می شود. این اتاق پر از ابزارهای شکنجه بود، اینجا می بینیم که ساشا می خواست از تارا انتقام بگیرد وبهش تجاوز جسمی می کرد، چون ساشا معتقد بود که تارا بهش خیانت کرده، پس اتاق قرمز مکان بسته وپر از ظلم واندوه است. نویسنده رنگ قرمز انتخاب کرده زیرا در فرهنگ به انرژی، جنگ، خطر، قدرت، عزت... دلالت دارد، اما اینجا رنگ قرمز نماد خطر وجاذبه جنسی است. ومتوجه می کردیم که تارا در این اتاق مورد تجاوز مکرر قرار گرفته است واین اتاق برای او مثل زندان وکابوس بود. (رنگ قرمز، انواع رنگ سرخ تیره وروشن نماد ونشانه چیست، سایت انترنتی) - هرچند امشب یک فرقی با شبهای دیگه داره- با ترس آب دهنم رو قورت دادم که گفت: امشب معاشره مون توی این اتاق نیست توی اتاق قرمز. چشمم از تعجب گشاد شد وپرسیدم اتاق قرمز کجاست؟" (نژاد، ۱۳۹۵: ۴۲) - بیمارستان: - یک جایی بسته می آید واز لحاظ نشانه شناختی مکانی است که در آن فرد تحت درمان قرار می گیرد، می بینیم که تارا به علت شکنجهها به بیمارستان وارد شد، پس دلالت بیمارستان در این رمان وسیله ای برای بیان شکنندگی انسان نشان می دهد. نشانه ونماد بیمارستان در این رمان ناتوانی وضعف است. با ورودمون به بیمارستان سپنتا دستم رو ول کرد ومنو یک نفس راحتی کشیدم. (همان منبع قبلی، ۸۵) - اتاق سفید: - یک مکانی که در آن رویداد خیلی مهم اتفاق افتاده، متوجه می کنیم که اتاق سفید در بیمارستان بود وتارا در آن مکان عمل کرده است. نشانه اتاق سفید در رمان به امید وآغازی نو آمده است، زیرا تارا می توانست دوباره ببیند. رنگ سفید از رنگهای روشن بشمار می رود ودر هرجا باشد نور را اضافه کند وهمچنین امر باعث می شود که آن را از طرف تاریک در مواقع پریشانی ناجی کند. (محمود، ۲۰۲۲، سایت انترنتی)، نماد رنگ سفید، نماد کمال، شروع جدید، بی گناهی... می آید. (نسرین، ۱۳۹۷: سایت انترنتی) اما درمورد رنگ سبزی که در دیوار اتاق عمل هست، این رنگ در روانشناسی دلالت زیادی دارد یکی به آرامش نشان می دهد، (تیم تولید محتوای پزشکی وسلامتی، سایت انترنتی) پس نویسنده این رنگ را انتخاب کرده تا روحیه تارا را بالا ببرد وسریع بهبود یابد. " چشم باز کردم که با یک اتاق سفید وسبز رو به رو شدم" (همان منبع قبلی، ۱۳۰)

جدول مکان های باز وبسته در رمان (شکنجه گر من)

مکان باز	مکان باز	مکان بسته	مکان بسته
تهران	بندر عباس	اتاق تارا	خانه پدرش
دریا	دبی	ویلا	خانه ساشا
جنوب	—	سالن	حیاط
—	—	اتاق شکنجه	اتاق قرمز
—	—	بیمارستان	اتاق سفید

نشانه- معنا شناختی ساختار زمان در رمان (شکنجه گر من) مفهوم زمان: - یکی از عناصر مهمی که داستان و رمان از آن تشکیل می شود، بدون زمان حوادث واتفاقات در داستان، رمان وهر اثر ادبی رخ نمی دهند وگره های داستانی ایجاد نمی شوند. (ر.ک. زمان در داستان، سایت انترنتی) اما ژرار ژنت در مورد زمان می گوید: "زمان اصلی ترین عنصر روایت به حساب می آید". (تولان، ۱۳۸۳: ۲۵) «ژرار ژنت در کتاب "گفتمان روایی" روایت را به سه سطح نقل، داستان وروایت تقسیم کند که منظور از نقل ترتیب واقعی رویدادها در متن است، اما داستان تسلسلی است که رویدادها عملاً در آن اتفاق می افتد ومی توان آن را از متن استنباط کرد وروایت همان عمل روایت کردن است.» (ایگلتون، ۱۳۸۶: ۱۴۵) متوجه می کنیم که ژنت زمان را به دو نوع تقسیم کرده است:-

۱- بازگشت زمانی: - «هر زمان پریشی نسبت به روایتی که در آن قرار دارد - روایتی که به آن پیوند می خورد- از لحاظ زمان، روایتی فرعی ایجاد می کند که در ارتباط با آن تعریف می شود را روایت اولیه می نامد. در این حالت اگر زمان روایی مربوط به گذشته ای قبل نقطه شروع زمانی روایت اولیه باشد، ((بازگشت زمانی بیرونی)) نامیده می شود و اگر مربوط به حوادث بعد از زمان روایت باشد را ((بازگشت زمانی درونی)) می نامند. (ژنت، ۱۳۹۸: ۲۵-۲۷)

۲- پیشواز زمانی: - این زمان با زمان بازگشت به گذشته تفاوت دارد ومنظور از پیشواز زمانی رویدادها وحوادثی که در آینده اتفاق خواهد افتاد. واین زمان هم به دو نوع تقسیم می شود، یکی ((پیشواز زمانی بیرونی)) و دیگری ((پیشواز زمانی درونی)). (ر.ک. فواز، ۲۰۱۴:

(۱۰۷) بر این اساس، سعی خواهیم کرد که معنا - نشانه شناختی زمان وتأثیر آن بر خواننده بررسی کنیم: "طبق معمول هر روز دعوا، کتک حالم از این زندگی بهم می خورد، کی می شد بمیرم راحت بشم، دستم رو روی گونه‌ی متورم گذاشتم، بدجور کوبیده بود توی صورتم حالم از این بابا بهم می خورد" (نژاد، ۱۳۹۵: ۲) - این دیالوگ نشان دهنده‌ی زمان حال است چراکه پدر تارا را مورد آزار واذیت قرار می داد. تارا تلاش می کرد از این زندگی رها کند ودر نهایت می توانست با کمک دوستش سارا از ایران فرار کند. پس معنا- نشانه شناختی زمان در این رمان، پیشواز زمانی درونی می آید، چون نویسنده، رمان را با پیشواز زمانی (حال) آغاز کرده است. "نزدیک به شش ماه باهم دوست بودیم، ولی پدرم اجازه‌ی ازدواج با اونو بهم نمی داد، دلیلش رو نمی دانم ولی مامانم می گفت بابام خیلی از پسر بدش میوید، ولی من به زور تهدید محبوسون کردم که به ازدواج رضایت بدن..." (همان منبع قبلی، ۴-۵) - این گفتگو به زمان گذشته نشان می دهد چونکه تارا در این مدت (شش ماه) پارگی روانی زندگی می کند و احساس فروپاشی وضع بر او تأثیر می گذاشت، پس رویداد این گفتگو در زمان گذشته اتفاق افتاده و نویسنده آن را در حال حاضر ذکر کرده است. نشانه شناختی این گفتگو بازگشت زمانی بیرونی می آید. "سلام عزیزم تو که الان اینجا بودی اینقدر سریع دلت برم تنگ شد؟ پس وقتی برم اونور چجوری میخوای تحمل کنی؟- باحرص گفتم: یک دقیقه ساکت شو تا منم حرف بزنم. سارا خنده‌های کرد وگفت: ببخشید بگو عزیزم چی شده؟..." (نژاد، ۱۳۹۵: ۷) - این گفتگو به زمان حال نشان دهنده است چراکه رویدادهای این گفتگو در پیشواز زمانی اتفاق می افتاد، راوی ذکر کرده است که تارا می خواست از این کابوس خلاص شود، زیرا تارا هر روز با پدر و مادرش دعوا می کند. نویسنده رمان در گفتگوی بالا رویداد حال حاضر بیان می کرد و سعی کرده خواننده را با وضعیت انتظار وپیش بینی آینده برای شخصیت ورویداد ایجاد کند. "صبا - چند سالت صبا؟- بیست وچهار. - خیلی خوب تو چی اسمت چیه؟ - اسمت که تارا بود حالا بگو چند سالت؟ - هیجده..." (همان منبع قبلی، ۱۲) - این گفتگو به زمان حال آمده است. زیرا تارا وقتی که از ایران فرار کرد با دوستش که اسمش سارا بود به جنوب رفته است تا زندگی خود بهتر شود. متوجه می کنیم که نشانه شناختی زمان این گفتگو پیشواز درونی است، زیرا نویسنده تلاش کرده از یک نواختی اتفاقات را رها کند. "یاد روزهای که توی تهران داشتم افتادم چقدر خوشبخت بودم چرا انقدر دیر فهمیدم، درسته پدرم بهم توهین می کرد یا بهم گیر می داد ولی زندگیم خیلی بهتر از الانم بودم من توی تهران زندگی می کردم اما اینجا بردگی..." (همان منبع قبلی، ۴۲) - این دیالوگ نشان دهنده‌ی زمان گذشته است چون تارا روزهای خود را با پدر و مادرش در تهران یاد آورد، علی الرغم زندگی اش خیلی بهتر با آنها نبود، ولی بهتر از الان است. نویسنده در این پاراگراف سعی کرده زمان گذشته را دنبال کند تا از یک نواختی حال، اضطراب و تنشی که شخصیت در آن زندگی می کرد، جدا شود. پس نشانه شناختی این دیالوگ بازگشت بیرونی می آید. "با تعجب گفتم: پری؟- اره یک پری دریایی. - تو پری دریایی کجا پیدا کردی؟ - همین جا توی تهران..." (همان منبع، ۵۰) - این گفتگوی فوق، رویدادهای در زمان گذشته اتفاق افتاد، چون ساشا یک دختری عاشق شد و به او نام پری دریایی گذاشت نویسنده این نام را انتخاب کرده زیرا ساشا آن دختر خیلی دوست داشت، نویسنده اینجا می خواست به زمان گذشته برگردد تا خواننده این دختر را بشناسد که ساشا هر روز او را شکنجه می کند، در نهایت نشانه شناختی این گفتگو بازگشت درونی به حساب می آید. "میدونی تمام دنیایم؟- داری دروغ میگی. - من چه دروغی میگم؟ - اگه همه‌ی دنیات بودم یک کاری میکردی تا ازدواج کنیم نه اینکه دست روی دست بزاری. - تو واقعا فکر میکنی من دست روی دست گذاشتم؟ - نراشتی؟ شش ماه گذشته ولی هنوز نتوانستی بابام رو راضی کنی..." (نژاد، ۱۳۹۵: ۸۷) - این گفتگو نشانگر رویدادهاست که در زمان گذشته اتفاق افتاده، می بینیم که تارا بعد از عمل تمام چیزهای گذشته در ذهنش آمده است و متوجه می کنیم نویسنده می خواست به گذشته باز می گردد زیرا در این مدت حافظه خود را از دست داده است علاوه بر این، از یک نواختی رویداد حال حاضر خلاص شود. نشانه شناختی این دیالوگ، گذشته زمانی بیرونی است. "منم تارا ... با شنیدن صدای سپینتا انگار دنیا رو بهم دادند، گفتم- بیا تو ... در اتاق باز شد و ... در اتاق باز شد و سپینتا اومد تو، با لحن غمگینی گفت: سلام تارا. - سلام چیزی شده - اره... ترسیده گفتم چی؟ سپینتا نفسش رو عصبی فوت کرد وگفت: هیچی نتوانستم برم تو اتاق... چرا؟..." (همان منبع قبلی، ۹۷-۹۸) - رویداد این گفتگو نشان دهنده‌ی به زمان حال است و همه‌ی حوادث پیشواز زمانی درونی به شمار می رود، زیرا تارا در این گفتگو خاطراتش را از دست داده است و سعی می کرد تمام حافظه اش را بازیابی کند، متوجه می کنیم که نویسنده اتفاقات زمان گذشته را در حال حاضر ذکر کرده است زیرا این اتفاقات نقش اساسی در تکمیل تصویر شخصیت ورویداد ودرک مسیر آنها دارد. "از لحنش خنده ام گرفته بود اما سعی کردم خودم رو کنترل کنم که دوباره گفت امروز که عصبی نیستید ان شا الله؟- این بار خنده ام گرفت وگفتم بابت اون روز تو فرودگاه متاسفم حالم زیاد خوش نبود. از این تغییر حالت انگار خوشش اومد چون لبخند زد وگفت امروز که ان شا الله حالتون خونه؟ - بله خویم... میشه اسمت رو بدونم؟" (نژاد، ۱۶۲-۱۶۵) - متوجه

کردیم که این گفتگو نشان دهندهی زمان گذشته است و اتفاقات و رویدادهای مهم در این مدت پیش آمده است. ساشا تارا را به کافی شاپ دعوت کرده است تارا در مورد مشکلات خانوادگی خود به او تعارف کرده. نویسنده در این گفتگو به گذشته بازگشت تا رویداد این مدت به خواننده توضیح دهد، نشانه شناختی این گفتگو به گذشته بیرونی دلالت دارد.

#### نتیجه گیری

- ❖ پژوهنده متوجه شد که نویسنده از بازگشت بیرونی در این رمان استفاده می کرد.
- ❖ نویسنده از رنگهای قرمز و سیاه در مکانهای بسته استفاده کرده، زیرا این رنگها به درد، رنج و شکنجه دلالت دارد.
- ❖ پژوهنده دید که مکانهای بسته مانند: خانهی پدرش، خانهی ساشا، اتاق قرمز و سیاه به ترس، وحشت و اضطراب نشان می دهد.
- ❖ نویسنده همچنین از مکانهای بسته مانند: بیمارستان استفاده کرد، چون بیمارستان از جمله مکانهایی است که به درمان رنجها دردهای انسان را می پردازد.
- ❖ نویسنده در داستان خود از نشانههای درد و رنج استفاده کرده است مانند: ابزارهای شکنجه، اتاق سیاه و اتاق قرمز.
- ❖ مکانهای باز در رمان به دلالتهای مختلف نشان داده است مانند فرار از واقعیت تلخ و دردهای روانی و جسمی.
- ❖ نویسنده با بهره گیری از تکنیکهای بازگشت درونی و بیرونی و پیشواز درونی و بیرونی در ساختار روایت خود تلاش کرده است تنوعی در روند روایت ایجاد کند و از این طریق انگیزهی شناخت و پیگیری ادامهی رویدادها و حوادث را در مخاطب تقویت نماید.
- ❖ پژوهنده دید که نویسنده از کشمکشهای بیرونی استفاده کرده است و هدف از این نمایش ویژگیهای شخصیت است.
- ❖ در نهایت، این رمان با هدف از هشدار به دختران نوشته شده تا بدانند که فرار راهی برای رسیدن به خوشبختی یا امنیت نیست.

#### منابع

- اخوان نژاد، مرضیه. (۱۳۹۵)، شکنجه گر من.
- اصغری، دکتر جواد. (زمستان ۸۸)، بررسی زیبایی شناختی عنصر مکان در داستان، نشریهی دانشکدهی ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، دورهی جدید شمارهی ۲۶ (پیاپی ۲۳).
- امین محمد، سه پول. (۲۰۲۲)، بررسی عنصر کشمکش در داستان (بی بی خانم) اثر لاری کرمانشاهی، پایان نامه، دانشگاه صلاح الدین، اربیل.
- ایگلتن، تری. (۱۳۸۶)، پیش درآمدی بر نظریهی ادبی، ترجمه مصطفی عابدینی فرد، نیلوفر، تهران.
- بحرایی، حسن (۱۹۹۰)، بنیه الشكل الروایة، المركز الثقافی العربی، بیروت.
- توکلی مقدم، صفیه. کوپا، فاطمه. گرجی، مصطفی، بررسی و تحلیل زمان در رمان «مدار صفر درجه» بر اساس نظریهی ژنت، مقاله پژوهشی، دوره ۲۴، شماره ۸۶، زمستان ۱۳۹۹. مقاله
- تولان، مایکل جی. (۱۳۸۳)، درآمدی نقادانه - زبان شناختی بر روایت، ترجمهی ابو الفضل حری، بنیاد سینمایی فارابی، تهران.
- جنیت، جرار. (۱۹۹۶)، خطاب الحکایه، ترجمه محمد معتصم، حسان بورقیه و محمد الداهی، ط ۱، المركز الثقافی العربی، الدار البیضاء، بیروت.
- حموده، عبد العزیز. (۱۹۹۸). البناء الدرامی، الهیئه المصریة العامه للکتاب.
- رزقی، یاسمین. بلکواسی، سیری. سمد، نسرن. (۲۰۱۹/۲۰۲۰)، تجلیات المكان المفتوح فی رویه لاسییرا دیمویرتی، مذکره، کلیه الاداب واللغات، جامعه اکلئ محند اولحاج - البویره، الجزائر.
- ژنت، ژرار. (۱۳۹۸)، گفتمان روایت: جستاری در باب روش، ترجمهی معصومه زوریان، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، تهران.
- سلام، محمد زغلول. (۱۹۷۳)، دراسات فی القصة العربیة (اصولها - اتجاهاتها - اعلامها)، منشاه المعارف، الاسکندریه.
- عبد، حیدر احمد عبد الحمید. (۲۰۲۴)، بررسی نشانه معناشناختی گفتمان در نمایشنامهی (افول) اکبر رادی، پایان نامه، دانشکدهی زبان، دانشگاه بغداد.
- علاوی، عبد الله ابراهیم. (۱۹۸۸)، البناء الفنی لروایه الحرب فی العراق، دائره الشؤون الثقافیه، بغداد.

-فكوهی، ناصر. (١٣٨٣)، انسان شناسی شهری، نشر نی، تهران.

-فواز، معمري. (٢٠١٤)، قراءة سيميائية في مسرحية (الطاغية) لمحمد عمري، جامعة المسيلة.

-كنيهر، زينب ناصر. (٢٠٢١)، نشانه شناسی در فيلم ايراني (اين زن حقتش را می خواهد)، پايان نامه، دانشكدهی زبان خارجي، دانشگاه بغداد.

-مرتاض، عبد الملك (١٩٩٨)، في نظريه الروايه (بحث في تقنيات السرد)، المجلس الوطني للثقافة والفنون والاداب، الكويت.

-مير صادقي، جمال. (١٣٧٧)، واژه نامه هنر داستان نويسی، چاپ اول، ميهن هنر.

-نصر الدين يوسف، عزه كمال، انساق الحدث وتجلياته في الاعمال الروائيه لرضوى عاشور، مجله الدراسات العربيه، كلية العلوم، جامعه المينا.

-الداودي، حمزه عمر عثمان. (٢٠٢٤)، الصراع الداخلي والتحول الاجتماعي: استكشاف البنية الروائيه والابعاد الانسانية في روايه التوت المر،

مجله الجامعه العراقيه، المجلد ٧٢، العدد ٣.

-الذيب، حامة (٢٠٢٣). دلالة العنوان وبلاغة المكان وعلاقتها بأفعال الشخصيات مقارنة سيميائية في رواية Chicago، مجلة علوم اللغة العربية

وأدابها المجلد ١٥، العدد ١.

#### فرهنگها

- ابن منظور، بن مكرم بن علي ابو الفضل جمال الدين. (١٩٩٠)، لسان العرب، ط١، دار صادر، جلد ١٣، (ماده م، و، ن).

- عميد، حسن. (١٣٨٤)، فرهنگ عميد، چاپ سی ويكم، انتشارات امير كبير، تهران.

- دهخدا، علي اكبر، فرهنگ دهخدا، ج ٥، سايت انترنتي.

#### سایت های انترنتی

- روانشناسی رنگ قرمز، انواع رنگ سرخ تیره وروشن نماد ونشانه چيست، سايت انترنتي

<http://www.coca.ir>

- محمود، فرح. (٢٠٢٢)، دلالات اللون الابيض في علم النفس، موقع الكتروني، <https://mawdoo3.com>

- نسرين. روانشناسی رنگ سفيد، نماد ونشانه چيست، سايت انترنتي، <http://www.coca.ir>

- تيم توليد محتوای پزشکی وسلامتی، اهميت روانشناسی رنگ واثر آن بر طراحی بیمارستانها، مجله سلامتی پذیرش ٣٤ / عمومي، ١٤٠٠.

- زمان در داستان، سايت انترنتي، <https://www.andishmandpub.com>

- يزدي، مريم حسين. (١٣٩٢)، نشانه شناسی، مقاله، سايت انترنتي

<https://chistiha.com>

- محمد، فاطمه. (١٣٩٩) مقاله، ساختار روايي چيست، سايت انترنتي

<https://Fasleyek.com/blog/post/%D8%B8>

- مومني، سندی. (١٣٩٤)، مکان در داستان، مقاله، سايت انترنتي

<https://sandy-momeni26.blogfa.com/post129>

- استانهای جنوبی ایران - موقعیت اماکن ایران، سايت انترنتي <http://ciriumstances.ir/iran/southern>

- دبی، ویکی پدیا، سايت انترنتي،

<https://fa.m.wikipedia.org/wiki/%D8%AF%D8%A8%DB%8C>

- دیکشنری آنلاین آبادیس - Abadis Dictionary، سايت انترنتي، <https://abadis.ir>

#### References

-Akhavan Nejad, M. (2016). My Torturer.

-Asghari, J. (2009, Winter). An Aesthetic Study of the Element of Place in Fiction. Journal of the Faculty of Literature and Humanities, Shahid Bahonar University of Kerman, New Series, No. 26 (Consecutive No. 23).

-Amin Mohammad, S. P. (2022). An Analysis of the Element of Conflict In the Story "Bibi Khanum" by Lari Kermanshahi (Master's thesis). Salahaddin University, Erbil.

-Eagleton, T. (2007). An Introduction to Literary Theory (M. Abedini-Fard, Trans.). Niloufar Publications, Tehran.

-Bahrawi, H. (1990). Bunyat al-Shakl al-Riwa'i. Arab Cultural Center, Beirut.

- Tavakkoli Moghadam, S., Kupa, F., & Gorji, M. (2021, Winter). A Study and Analysis of Time In the Novel Zero Degree Orbit Based on Genette's Theory. Research Journal, Vol. 24, No. 86.
- Toolan, M. J. (2004). A Critical Linguistic Introduction to Narrative (A. Hari, Trans.). Farabi Cinema Foundation, Tehran.
- Genette, G. (1996). Discours du récit (M. Moatasem, H. Bourqia, & M. Dahy, Trans.). Arab Cultural Center, Casablanca-Beirut.
- Hammouda, A. A. (1998). Al-Bina' al-Drami. Egyptian General Book Organization.
- Razqi, Y., Belkwasi, Y., & Smad, N. (2019-2020). Manifestations of the Open Space in the Novel La Sierra de Muerte. Master's thesis, Faculty of Arts and Languages, Akli Mohand Oulhadj University, Bouira, Algeria.
- Genette, G. (2020). Narrative Discourse: An Essay in Method (M. Zovarian, Trans.). SAMT Organization, Tehran.
- Salam, M. Z. (1973). Studies in the Arabic Story (Its Principles, Directions, and Figures). Mansha'at al-Ma'arif, Alexandria.
- Abd, H. A. A. (2024). A Semantic Semiotic Study of Discourse in Akbar Radi's Play "Decline" (Master's thesis). Faculty of Languages, University of Baghdad.
- Al-Alawi, A. I. (1988). The Artistic Structure of the War Novel in Iraq. Cultural Affairs Department, Baghdad.
- Fokouhi, N. (2004). Urban Anthropology. Ney Publishing, Tehran.
- Fawaz, M. (2014). A Semiotic Reading of the Play The Tyrant by Mohamed Ghmari. University of M'sila.
- Kaniher, Z. N. (2021). Semiotic Analysis of the Iranian Film "This Woman Demands Her Right" (Master's thesis). Faculty of Foreign Languages, University of Baghdad.
- Mortadh, A. M. (1998). On the Theory of the Novel: A Study In Narrative Techniques. National Council for Culture, Arts and Letters, Kuwait.
- Mir Sadeghi, J. (1998). Glossary of the Art of Fiction Writing. 1st ed., Mihan Honar Publications.
- Nasr al-Din Yusuf, A. K. Event Patterns and Their Manifestations in the Novels of Radwa Ashour. Journal of Arabic Studies, Faculty of Arts, University of Minya.
- Al-Daoudi, H. O. O. (2024). Internal Conflict and Social Transformation: Exploring the Narrative Structure and Human Dimensions in the Novel "Bitter Mulberry". Journal of the Iraqi University, Vol. 72, No. 3.
- Al-Dheeb, H. (2023). The Semantics of Title and the Rhetoric of Place In Relation to Character Actions: A Semiotic Approach to the Novel "Chicago". Journal of Arabic Language Sciences and Literature, Vol. 15, No. 1.

#### Dictionaries

- Ibn Manzur, J. al-D. (1990). Lisan al-Arab (Vol. 13). 1st ed., Dar Sader.
- Amid, H. (2005). Amid Dictionary. 31<sup>st</sup> ed., Amir Kabir Publications, Tehran.
- Dekhoda, A. A. Dekhoda Dictionary, Vol. 5. Online Edition.

#### Websites

- Psychology of the Color Red: Meanings and Symbolism of Light and Dark Shades. Retrieved from <http://www.coca.ir>
- Mahmoud, F. (2022). The Symbolism of White Color in Psychology. Retrieved from <https://mawdoo3.com>
- Nasrin. Psychology of White Color: Symbolism and Meaning. Retrieved from <http://www.coca.ir>
- Medical and Health Content Production Team. (2021). The Importance of Color Psychology and Its Effect on Hospital Design. Health Admission Magazine, Issue 34.
- Time in Fiction. Retrieved from <https://www.andishmandpub.com>
- Yazdi, M. H. (2013). Semiotics. Retrieved from <https://chistiha.com>
- Mohammad, F. (2020). What Is Narrative Structure? Retrieved from <https://fasleyek.com>
- Momeni, S. (2015). Place in Fiction. Retrieved from <https://sandy-momeni26.blogfa.com/post129>
- Southern Provinces of Iran – Locations and Geography. Retrieved from <http://circumstances.ir/iran/southern>
- Dubai. Retrieved from <https://fa.m.wikipedia.org/wiki/دبي>
- Abadis Online Dictionary. Retrieved from <https://abadis.ir>